

# درسی برای توسعه

ابراهیم احمدی

ویژه‌نامه شاطر رمضان

کار می‌کردند و گویی موسیقی در ژن این خاندان رخنه کرده و هوایی که در آن نفس می‌کشیدند، سرشار از موسیقی بود، این محیط آنچنان تأثیرگذار بوده که یکی پس از دیگری نابغه‌هایی به دنیای موسیقی معرفی کرده که از یکدیگر بهره می‌بردند و موتزارت از هایدن و او از ورنر به ارث می‌بردند و این سلسله قطع ناپذیر به نظر می‌رسد.

در ایران تنها در دو زمان خاص این تداوم اتفاق افتاد و هنوز هم آثار آن نمایان است، دوره اول عصر هخامنشی است، به طوری که در این دوره ممارست شاهان یکی پس از دیگری بنای عظیم تخت جمشید را خلق کرد که هنوز هم باقی مانده است. این روند قطع شد تا زمان صفویه که در آن زمان هم فضای مناسب ایجاد شد.

متأسفانه حملات مداوم و دست به دست شدن حکومت‌ها، در کنار رها شدن روندهای توسعه‌ای در طی تاریخ این سرزمین و ایجاد نشدن نهادها و خانواده‌های بزرگ نه فقط باعث رکود و توقف‌های

حتی سیاست هم ریشه دوانده و خانواده‌های بزرگ به تربیت نسل‌های بعدی مبادرت می‌ورزند و در آن بسیار هم موفق بوده‌اند. گوته شاعر بزرگ آلمانی همیشه به نجیب‌زادگی خود افتخار می‌کرد و معتقد بود تنها شیادان شکسته نفسی می‌کنند (تاریخ تمدن، ویل دورانت، جلد ۱۱).

خانواده تیشبانی در هنر نقاشی آنچنان زیاد بودند که به آسانی ممکن است آنها را با هم اشتباه کنیم (تاریخ تمدن، ویل دورانت، جلد ۱۱). اما موسیقی فضای گسترده‌تری را به خود اختصاص داده است، آلمان بیش از هر ملت دیگری (بجز ایتالیا) از لحاظ موسیقی پربرکت بوده است و خانواده‌ای بدون آلات موسیقی، غیرعادی به نظر می‌آیند. در مدارس، موسیقی همپایه مذهب و خواندن تدریس می‌شد و خانواده‌ها نقش بزرگی در این زمینه بازی می‌کردند به طوری که نیمی از آهنگسازان معروف آن دوران از خانواده یوهان سباستین باخ بودند. خانواده بزرگ موتزارت نیز قرن‌ها و نسل‌ها در حد استادی موسیقی

در بازدیدی که از یک کارخانه ماشین ابزارسازی آلمان در سال‌های پیش داشتم، در و دیوار ورودی آن آکنده بود از نقاشی و عکس از سابقه چندصد ساله تولید آسیاب بادی تا زین و برگ و ماشین چاپ تا زمان حال...

زمانی که من از این شرکت بازدید می‌کردم، در حال تولید یکی از پیشرفته‌ترین و معتبرترین ماشین‌های براده‌برداری (CNC) سرعت بالا بودند، محصولی که در سرتاسر دنیا از نظر کیفیت سرآمد است و مهمتر اینکه به نام خانوادگی آنان بوده و هست و هنوز آن تداوم نسل‌ها وجود دارد و فرزندان آن خانواده در تولید و مدیریت با افتخار مشغول هستند.

کم نیستند خانواده‌های با ریشه‌ای که دهه‌ها و سده‌ها را طی نموده‌اند، و القاب مختلف را نسل‌ها یدک کشیده‌اند و با افتخار در جامعه‌ای که به طور تمام و کمال آنها را پذیرفته‌اند از خود و خانواده خود یاد می‌کنند. این تداوم نسل‌ها و ریشه‌ها نه تنها در صنعت و تجارت بلکه در هنر، فرهنگ، ادبیات و





پی در پی در فضای فرهنگ و هنر شد، بلکه بیشترین تأثیر را فضای سیاسی و خودکامگی حاکمان داشت. چرا که به قول علی رضاقلی در کتاب جامعه‌شناسی خودکامگی نبود نهادهای بزرگ تحدیدکننده قدرت، باعث روی کار آمدن‌های چندباره دیکتاتورها شده است. شکل‌گیری نهادها و خانواده‌های بزرگ خود علت و معلول پایداری اجتماعی، ثبات و در عین حال پیشرفت جامعه است و با تحدید نهاد مرکزی قدرت از تمرکز و خودکامگی جلوگیری می‌کرد که نشد.

در روزگاری نه چندان دور، اما با برقراری امنیت و آرامش نسبی در کشور دوباره مشاغل و حرفه‌های مستمر و خانوادگی شکل گرفت، به طوری که کاریزداران و مغنی‌ها به پرورش فرزندان خود از کودکی آنچنان می‌کوشیدند که به یگانه جویندگان آب تبدیل می‌شدند یا بازاریان نسل به نسل در تیمچه‌ها و کاروانسراها کسب و کار خانوادگی شکل می‌دادند و هنوز هم رگه‌هایی از این استمرار خاندانی دیده می‌شود. پرواضح آنکه این قدمت عمل امروز جزء افتخارات آنها محسوب و فضای کار مطلوب را فراهم کرده، این شکل استمرار را هنوز هم می‌توان در کارهایی مانند فرش که از قدیمی‌ترین حرفه‌های اصفهان محسوب می‌شود دید، جایی که خاندان حقیقی و اخوان و بسیار کسان دیگر هنرمندان این عرصه هستند و یا گز کرمانی با قدمت فراوان در دنیا شناخته شده است. همچنین بسیاری از نوادگان خاندان صیرفیان، ساعتچی، کلاه‌دوزان، پورکاطمی، برنجیان، آدم‌زاده، پرورش و چیت‌ساز و... هنوز هم به شکلی در همان مسیر هستند و جالب آنکه در صنف خود از بزرگان و معتبرترین خاندان‌های بازار محسوب می‌شوند. خاندان‌هایی که به یمن ثبات بازار در سده‌های گذشته به خصوص در شهری مثل اصفهان هنوز هم مانده‌اند. رمز پیروزی و موفقیت بسیاری از اینان سوای از استعداد و توانمندی آنها از استمراری نشأت می‌گیرد که در این خانواده‌ها روی داده است. اما این داستان، داستان دیگری است... داستان کسی که نه از روی منفعت‌های مادی و کسب درآمد که تنها از روی احساس و عشق بنایی پایه‌گذاری کرد....

در زمانی دور شاطر رمضان، خانه‌ای را با عشق و علاقه شخصی بنا نهاد که در آن برنامه خودمانی موسیقی پایه‌گذاری شد. برنامه‌ای که بیش از هفت

دهه تداوم دارد و این از اتفاقات نادر در کشور ماست، اتفاقی که بسیار ویژه می‌نماید. از آن جهت که نهادهای پایه‌گذاری شده از طبقه متوسط، آنچنان محکم و استوار ایستاده که از پس سالها هنوز فضایی است برای دور هم جمع شدن‌ها، همدیگر را دیدن و از وجود هم لذت بردن، این جلسات و جلسات مشابه بی‌شک در تربیت نسل‌های بعد نقش عمده‌ای ایفا می‌کند، به طوری که اصفهان طی دهه‌های گذشته شاهد رشد و نمو هنرمندان بزرگ ملی بوده است و این مهم جز در سایه‌سار وجود همین جلسات و انجمن‌ها نبوده است.

تمرین‌های مداوم و ارائه درس‌های خواننده شده به صورت هفتگی به مخاطبانی که هر کدام سررشته و عشق و علاقه‌ای به موسیقی دارند و سالیان متمادی شور و شعور را در این مجالس بالا برده و هنوز هم ادامه دارد.

از دیگر دلایل عمده تداوم آن، مدیریت مناسب و نگهداری فضای محفل از سوی بنیانگذار آن است، چنانکه در عین تکثر آرا در نهایت فقط یک نفر تصمیم‌گیرنده نهایی است. چنین نهادگذاری و مدیریتی به یقین یکتاست.

در اروپای قرن شانزدهم جلسات و انجمن‌هایی شکل گرفت که تأثیر بزرگی در پیشرفت بشری ایفا کرد، این انجمن‌ها فضای مناسبی برای کشف استعداد و تمرین و ممارست ایجاد کردند، به طوری که در عین کوچک بودن عملکرد، انسان‌های بزرگی را خواسته یا ناخواسته تحویل داد.

امروز در اصفهان به هر کس که احساسی دست می‌دهد و دلش می‌گیرد و هوایی به سرش می‌زند می‌داند جایی هست که می‌تواند بیاساید و لحظاتی به خوشی بگذراند و سازی بشنود و آوازی نوش کند و این همه تنها به لطف و صفای بی‌منت شاطر رمضان و پسرش آقای‌الله میسر شده چه آنکه این لذت بی‌وصف اول روح نواز خودشان است و بعد دیگران.

و صد البته کسانی که درسی می‌آموزند و تمرینی دارند، در این مجالس محکی می‌خورند و اجرایی می‌کنند و نتیجه، دریافت بازخورد مستقیم از مخاطبان است، که هنر موسیقی به مخاطب زنده است و فضای اجرای آن. خانه شاطر رمضان بدون هیچ آلاشی همیشه بر روی پیر و جوان باز بوده و

کسی بر کسی خرده نمی‌گرفته است.

اما این بنا و ویژگی دیگری هم دارد که در روزگار کم‌لطفی به موسیقی شاخص تر می‌شود و آن مستندسازی است. عکس‌های قدیمی و فضای عمومی این مکان باصفا آنچنان حس نوستالژیکی به انسان می‌دهد که هیچ سالن بزرگ و تشریفاتی نمی‌تواند جای آن را بگیرد. دیدن عکس‌هایی که سالهای سال و از روزگار دور تا امروز مانده و هر کدام بزرگی و دنیایی از حرف و تاریخ را در خود نهفته، چنان می‌تواند در کنار آهنگ آرام‌بخش و صدای گرم نوازندگان و آوازخوانان روح نواز باشد که تنها باید بنشیننی و ببینی و بشنوی و مست و غرق دنیایی از آرامش شوی... میراث ضبط شده نزدیک به یک قرن موسیقی همراه با عکس‌هایی که روزی بزرگ بودند و یا امروز از بزرگان موسیقی فاخر ایرانی شده‌اند، خود نشان از اعتبار این محفل خودمانی دارد. فضای بی‌تکلف استادان بزرگی چون اکبرخان نوروزی، شهناز، کسایی، بدیعی، شجریان و... خیلی‌های دیگر که برخی جوان بودند و جویای نام و برخی بزرگان که به راحتی در کنار یکدیگر می‌نشستند و می‌خواندند و حال دوران می‌بردند. این میراث ثبت شده تاریخی نیز خود از شگفتی‌هاست، چرا که از خصلت ایرانی‌ها این بوده که میراث خود را جز در موارد معدود ثبت و ضبط نمی‌کردند و ترجیح بیشتر بر حفظ میراث شفاهی بود و چه زبان‌ها که از این رفتار نبردیم و هنوز هم در همان مسیر هستیم. قدم زدن در برگ‌های تاریخی روی در و دیوار خانه شاطر رمضان ساعت‌ها و شاید روزها وقت می‌خواهد.

امروز خانه شاطر رمضان و فرزندش یک گنجینه ارزشمند است، باید این خانه و بانیان آن را ستود و الگو قرار داد، الگویی برای پیشرفت و ماندگاری، سه‌شنبه‌های این خانه با تصویرها و نغمه‌ها و نواهایش درس‌های بزرگی به صنعت و اقتصاد می‌دهد و فضایی را فراهم می‌آورد که یادمان باشد پافشاری در کاری که ایمان‌داری درست است و روزهای سختی و عسرت گذشته‌اند. این نغمه‌ها و نواها نویددهنده دنیایی از نشاط و تلاش و امید و رونق‌اند.

دست این بزرگان را باید فشرد و مقام آنها را ارج نهاد که هر جامعه‌ای به بزرگانش زنده است.